

تحلیل مضامین توئیت های جریان های سیاسی ایران

در حوادث دی ۱۳۹۶

دکتر محمد بابایی^۱

پروانه احمدی راد^۲

چکیده

هدف مقاله شناخت مضامین اصلی توئیت های چهره های وابسته به جریان های سیاسی ایران در حوادث دی ۱۳۹۶ است. علت انتخاب توئیت به عنوان محمل پژوهش تبدیل شدن آن به رسانه ای جریان ساز در ایران و نیز گرایش شخصیت ها و تشکل های سیاسی به بهره گیری از آن به منظور انتقال دیدگاه های سیاسی خود در سال های اخیر از جمله در حوادث یاد شده است. پرسش اصلی مقاله این است که جریان های سیاسی در ایران چه نگرشی به این اعتراضات داشتند و چگونه آن را تبیین کرده اند؟ پژوهش از نوع کیفی است که با روش تحلیل مضمون و با استفاده از نرم افزار MAXQDA اجرا شده است. جامعه آماری تحقیق نیز پیام های توئیت شده چهره های منتسب به جریان های سیاسی در قبال این حوادث است. یافته های پژوهش در قالب پنج مضمون « ماهیت و نوع رویداد، عوامل داخلی و خارجی، مطالبات، پیامدها و راهکارها » دسته بندی شدند. یافته های پژوهش نشان داد از نگاه چهره های وابسته به جریان های سیاسی ایران با وجود برخی اختلافات، اما حوادث دی ۱۳۹۶ از نوع اعتراض و با ماهیت غالب مردمی بوده است که مشکلات اقتصادی و انسداد سیاسی مهمترین علل داخلی آن را شکل داده است. همچنین احتمال گسترش ناآرامی ها در سطح کشور مهمترین پیامد برشمرده شده برای اعتراضات بوده است. لزوم توجه به مطالبات اقتصادی و نیز مطالبات سیاسی نیز بهترین راهکار برون رفت از نگاه توئیت کنندگان بوده است.

واژگان کلیدی: حوادث دی ۱۳۹۶، توئیت، اعتراض، مطالبات اقتصادی، جریان های سیاسی

مقدمه

تحولات اجتماعی از نوع کنش های جمعی سازماندهی شده و سازماندهی نشده و یا در شکل اعتراضات اجتماعی از مهمترین رویدادهایی است که نخبگان و کنشگران سیاسی را به تحلیل و موضع گیری وامی دارد. بیان مواضع این افراد به واسطه درگیری مستقیم و غیر مستقیم شان با حوادث، منبعی مهم برای درک چرایی آن از یک سو و شناخت اثرات احتمالی آن روی درک عامه جامعه و نیز نوع مواجهه مسئولان از سوی دیگر است. حوادث و حوادث دی ۱۳۹۶ از جمله تازه ترین این رویدادها در ایران بود که به واسطه وسعت جغرافیایی و سرعت گسترش آن، نخبگان و کنشگران را به موضع گیری واداشت. این مواضع به شیوه های مختلف اعلام شد که یکی از تازه ترین شیوه ها بهره گیری از توئیت بود. توئیت در ایران به واسطه سرعت انتقال دیدگاه ها و نظرات برای انبوه مخاطبان و تبدیل آن به تریبونی برای اعلام دیدگاه های مسئولان و کنشگران اجتماعی - سیاسی امروزه به رسانه ای مرجع و جریان ساز تبدیل شده است (آذری جهرمی، ۱۳۹۷، مصاحبه با روزنامه ایران ۱۵ شهریور). این جریان سازی به نحوی است که بسیاری موضوعات ابتدا در فضای کاربران توئیت مطرح می شوند و پس از آن به مسئله ای فراگیر در میان کاربران

^۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی (mbabae48@gmail.com)

^۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی (parvane.ahmadirad1371@yahoo.com)

دیگر شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام و اینستاگرام تبدیل می‌گردند. همین مسئله تویتر را به موضوعی قابل مطالعه برای پژوهشگران تبدیل کرده است. صرف نظر از وجوه فناورانه آن، محتوای پیام‌های توییت و ریتوییت شده، نوع کاربران و البته مخاطبان، گردش پیام‌ها و نوع پیام‌هایی که ترند می‌شوند، اثرات سیاسی - اجتماعی پیام‌ها و نیز نگرش توییت‌کنندگان به موضوعی خاص، موضوعاتی هستند که در این فضا مطالعه می‌شوند.

حوادث دی ۱۳۹۶ نیز از جمله رویدادهایی بود که در ابعاد متعدد در فضای شبکه‌های مجازی انعکاس یافت. نخبگان سیاسی جریان‌های مختلف نیز با توییت دیدگاه‌های خود در این باره توجه مخاطبان را جلب کردند. نظر به اهمیت موضوع در این مطالعه نیز قصد داریم نگرش جریان‌های سیاسی عمده ایران را که در روزهای مصادف با این ناآرامی‌ها در قالب توییت چهره‌های منتسب به سه جریان اصولگرا، اصلاح طلب و اعتدالگرا اعلام شد مطالعه کنیم. موضوعات اصلی که برای استخراج مضامین مرتبط با آنها از نگاه این افراد، پژوهش حاضر تدوین شده است عبارتند از: ۱- ماهیت و چیستی وقایع ۲- علل اصلی ۳- پیامدها و ۴- راهکارهای ارائه شده برای برون رفت.

حوادث دی ۱۳۹۶ و شبکه اجتماعی تویتر در ایران مفاهیم مرکزی این پژوهش‌اند. با توجه به اینکه در ارتباط با حوادث دی ۱۳۹۶ پژوهش‌های زیادی در دسترس نیست، به مرور مواردی خواهیم پرداخت که دست کم به یکی از این مفاهیم (همسو و یا همسان با آنها) پرداخته باشند. در خصوص مطالعات داخلی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

میرزا آقا زاده و همکاران (۱۳۹۳) در بررسی «ارزیابی تاثیر محبوبیت کاربر و هشتگ در محبوبیت پست‌های شبکه اجتماعی تویتر» نشان دادند محبوبیت پست‌ها و ارتباط آنها با معیارهای در نظر گرفته شده، نمایانگر آن است که محبوبیت هشتگ رابطه مستقیم و بیشتری با محبوبیت پست‌های تویتر دارد. مسلم جوی و همکاران (۱۳۹۴) نیز در پژوهش «مدل سازی رفتار انسانی در شبکه اجتماعی تویتر به کمک الگوریتم خوشه بندی» دریافتند حدود ۵۰٪ کاربران به عنوان فردی معمولی و نه یک شایعه ساز وارد گفتگو با افراد می‌شوند و حدود ۴۹٪ نیز افرادی هستند که بعد از گفتگو با افراد شایعه ساز، خود هم شروع به پخش شایعه می‌کنند. این پژوهش نشان داد با توجه به اینکه که حدود ۱/۰۱ رکورد‌ها، میانگین بالایی دارند، می‌توان گفت شمار کمی از افراد هستند که با نیتی خاص وارد شبکه تویتر شده و شایعه را ایجاد و گسترش می‌دهند... اما مجموعه مقالاتی که به همت ابراهیم حاجیانی درباره حوادث دی ماه ۱۳۹۶ گردآوری و منتشر شده است شاید از جمله مهمترین کارهای صورت گرفته در باره حوادث دی ۹۶ باشد. در این مجموعه نوزده مقاله از نویسندگان مختلف به چاپ رسیده که هر یک از زاویه‌ای موضوع را بررسی کرده‌اند؛ محمد آقاسی (۱۳۹۷) در مقاله «افکار عمومی اعتراضی ایرانی؛ گذار از جامعه تله ماتیکی به جامعه تلگرامی» بیان می‌دارد که به علت ضعف بازیگران قدرتمند مانند احزاب و رسانه‌های متعارف، هدایت افکار عمومی به دست کاربران تلگرامی افتاده است که به علت غیر حرفه‌ای بودن کاربران، افکار عمومی را بجای هدایت، عموماً هیجانی می‌سازند. حمید ضیایی پرور هم در این کتاب به نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در حوادث دی ۹۶ می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد رسانه‌های اجتماعی در شکل‌گیری و ایجاد چنین رویدادهایی چندان موثر نیستند اما پس از بروز آنها قادرند در گسترش دادن آن نقش آفرینی کنند. جلالی پور و حاجی زاده (۱۳۹۷)، در پژوهش «اعتراضات و حوادث دی ماه ۱۳۹۶» به شناسایی عوامل کلان و منطقه‌ای موثر بر اعتراضات با استفاده از تحلیلی کیفی و کمی پرداخته‌اند. طبق یافته‌های آنها، مهمترین علل وقوع حوادث دی ۱۳۹۶ شامل افزایش متقاضیان کار و ناتوانی نسبی دولت در ایجاد شغل برای آنها، ناامیدی پیشینی کسانی که در انتخابات شرکت نمی‌کنند، ناامیدی رای دهندگان به روحانی از شنیده نشدن صدایشان توسط دولت و حاکمیت و کشمکش بر سر

دسترسی به منابع طبیعی می‌باشد. سلیمی و وهاب پور (۱۳۹۷) هم در بررسی «توئیلماسی؛ بازنمایی سیاست خارجی ایران در توئیتر» دریافتند مهم‌ترین ناامن‌کننده روایت ایرانی از سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا به نمایندگی توئیتر دونالد ترامپ و نیز رژیم صهیونیستی‌اند که کنشگران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کنند در مقابل آن هویت امن و معتبر خویش را بازسازی کنند. غربستان و روزبهرانی (۱۳۹۷)، در بررسی مواضع فعالان سیاسی در قبال حوادث دی ۹۶ نشان دادند هیچکدام از گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی داخلی از این اغتشاش حمایت نکرده‌اند؛ ولی بسیاری از چهره‌های هر دو جریان اصلاح‌طلب و اصولگرا، با اشاره به مشکلاتی مانند فقر، بیکاری، فساد اقتصادی و تبعیض از حق مردم برای اعتراض سخن گفتند.

اما در میان مطالعات خارجی مرتبط با موضوع موارد زیر قابل توجه است:

– بیک و گلدستاین (۲۰۱۳)، در بررسی خود نشان داده‌اند استفاده پژوهشگران از توئیتر، رسانه‌ای مطلوب برای آنها فراهم می‌کند تا گفتگوهای علمی و یافته‌های پژوهشی خود را با سایرین به اشتراک بگذارند. داوینپورت و همکارانش (۲۰۱۴)، به بررسی نقش خودشیفتگی در انگیزه‌ها و نحوه استفاده از سیستم عامل‌های مختلف رسانه‌های اجتماعی توئیتر در مقابل فیسبوک پرداخته‌اند. بر اساس نتایج به دست آمده، کاربران توئیتر و فیسبوک هر یک از مکانیزم‌های مختلفی برای دستیابی به اطلاعات در این شبکه بهره می‌گیرند. گرابر و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهشی به نقش توئیتر در مدیریت بحران و رهبری مدیران اجرایی، هیئت مدیره و مؤسسات پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان داد رسانه‌های اجتماعی از جمله توئیتر در بحران‌ها به عنوان یک منبع بی‌درنگ اخبار و اطلاعات، قادر است تأثیری شگرف بر سازمان‌ها و راهبردهای آنها در قبال بحران داشته باشند. نند ساکا (۲۰۱۶)، در پژوهشی به مطالعه استفاده بیش از حد از توئیتر در میان دانشجویان انگلیسی و تأثیر آن بر میزان تعامل اجتماعی و یا تنهایی کاربران پرداخته است. این پژوهش بر مبنای طیفی که دو طرف آن محافظه‌کاری و آزادیخواهی است به این نتیجه می‌رسد که سال‌های دانشجویی دوره‌ای تأثیرگذار است که نظام فکری و اعتقادی جوانان در برابر تغییر، بسیار آسیب‌پذیر است به نحوی که تغییرات نگرشی از یک سرطیف تا انتها الیه آن را شامل می‌گردد. گادک و همکاران (۲۰۱۷) نیز در پژوهشی با مطالعه نحوه انطباق و موضع‌گیری جوامع مختلف در توئیتر دریافتند می‌توان مدلی پایه بر اساس الگوریتم ارائه کرد تا بدون مداخله متغیرهای اجتماعی مانند پیوندهای اجتماعی، بر اساس این مدل پایه به ارزیابی و شناسایی موضع‌گیری جوامع در شبکه اجتماعی توئیتر پرداخت.

آنگونه که ملاحظه می‌گردد به نظر می‌رسد مطالعات جدی و علمی زیادی درباره نقش شبکه‌های اجتماعی به ویژه توئیتر در حوادث دی ۱۳۹۶ به علل مختلف (تازگی، مدون نشدن اطلاعات و نیز دسترسی ناپذیری بسیاری اطلاعات مربوط به آن و...) هنوز مدون و منتشر نشده‌اند. نمونه‌هایی هم که در اینجا ذکر شد به ویژه کتابی که به همت ابراهیم حاجیانی گردآوری منتشر شده است، موضوع مورد نظر مقاله را پوشش نداده‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به جایگاه و نقش فزاینده توئیتر در جامعه ایران لازم است به مطالعه این رسانه اجتماعی بیشتر پرداخته شود. مطالعه حاضر یکی از همین تلاش‌هاست.

مبانی نظری

1. Bk & Goldstein
2. Davenport
3. Gruber
4. Yamikani Ndasauka.
5. Gadek

شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در جایگاه رسانه، صفحاتی اینترنتی اند که افراد با عضویت در آنها عموماً به گفتگو و تبادل نظر می‌پردازند و ضمن به اشتراک گذاشتن تصاویر و فیلم این امکان را دارند تا نه فقط درباره مطالب دیگران اظهار نظر کنند، خود نیز مطالب مورد علاقه را منتشر کنند. این شبکه‌های اجتماعی به لحاظ نوع استفاده کاربران و محتوایی که ارائه می‌کنند به دو گروه عمومی و خاص تقسیم می‌شوند. در رسانه‌های اجتماعی عمومی کاربران با انگیزه‌ها و اهداف مختلف حضور دارند؛ مانند توئیتر، اینستاگرام، تلگرام و فیسبوک. ولی رسانه‌های اجتماعی خاص حول موضوعی ویژه شکل گرفته‌اند و تعداد کاربران کم‌تر است. مانند گودریدرز^۲ که شبکه اجتماعی مخصوص علاقه‌مندان کتاب است؛ و فلیکر^۳ که وب‌سایتی برای علاقه‌مندان به عکاسی است. این رسانه‌های جدید (عمومی یا خاص) به واسطه برخورداری از ویژگی‌هایی همچون دسترسی و وسعت، کم‌هزینه بودن، چند رسانه‌ای بودن، شبکه‌سازی انسانی، تعاملی بودن، بی‌نیازی به مهارتی خاص و پیوستگی و مداومت، از رسانه‌های متعارف متمایز می‌شوند. توئیتر نیز به عنوان یکی از این شبکه‌های اجتماعی به کاربران امکان می‌دهد پست‌های متن‌محور تا ۲۸۰ کاراکتر را موسوم به «توئیت» ارسال کنند. این سرویس شبکه اجتماعی آنلاین در سال ۲۰۰۶ ابداع و تا سال ۲۰۱۲، توانست ۱۲۰ میلیون و تا نوامبر ۲۰۱۸ نیز ۳۳۰ میلیون کاربر فعال جذب کند که روزانه بیش از ۳۴۰ میلیون توئیت پست کنند (ایسنا، دسترسی: ۹۷/۱۰/۱۷). به لحاظ سهولت و سرعت کاربری، توئیتر را پیامک اینترنتی توصیف کرده‌اند. توئیتر در مقایسه با دیگر شبکه‌های اجتماعی قابلیت‌های متمایز کننده‌ای دارد که از نظر این مقاله یکی از مهمترین آنها امکان ارسال انبوه پیام به ویژه با هدف سازماندهی اجتماعی و سیاسی است. تاکنون در شماری کشورها برای سازماندهی اعتراض‌های سیاسی از این ابزار استفاده شده است. امروزه گاه اعتراضات عمومی را «انقلاب‌های توئیتری» هم می‌خوانند، مانند تحولات سال ۲۰۱۱ به بعد در مصر، تونس، لیبی و بحرین.

انتخاب توئیتر برای مطالعه در این مقاله نیز با توجه به ویژگی‌های یاد شده است. دو نظریه برجسته سازی و جامعه شبکه‌ای مبانی اصلی این مطالعه به لحاظ نظری اند.

نظریه برجسته سازی

بر اساس نظریه برجسته سازی رسانه‌ها از میان انبوهی از خبر، به علل مختلف فقط برخی از خبرها را بزرگ‌نمایی و منتشر می‌کنند. این فرایند در رسانه‌های مکتوب با تکنیک‌های تیتریک، تیرهای فرعی، مصاحبه، گزارش ویژه و یا تکرار صورت می‌گیرد. در رسانه‌های متعارف الکترونیکی مانند رادیو و تلویزیون نیز فرایند برجسته سازی از طریق عناوین، مصاحبه حضوری، اولویت دادن در چینش خبرها، مصاحبه با کارشناس، تکرار، گزارش خبری ویژه، و خبر فوری صورت می‌گیرد (لافی، ۱۳۹۶: ۴۱-۴۵). اما این ویژگی در برخی رسانه‌های اجتماعی به ویژه توئیتر با استفاده از تکنیک‌هایی مانند افزونه هشتگ، ریتوئیت، برجسته سازی توئیت‌های داغ و نیز ترندسازی اعمال می‌شود. کاربران با استفاده از این امکان، محتوای تولید شده خود یا دیگران را برای مخاطب برجسته سازی می‌کنند و مخاطبان و یا فالوورها نیز هنگام جستجو، با سهولت به این توئیت‌ها دست می‌یابند. توئیت‌های داغ به واسطه ریتوئیت دنبال‌کنندگان در نهایت تشکیل ترندها را می‌دهند که عموماً نیز در جریان سازی خبری موثرند. مطابق نظریه برجسته سازی، توئیت‌کنندگان در ایام حوادث دی ۱۳۹۶ با توئیت‌های خود تلاش کردند برخی وجوه رویداد را برجسته تر از سایر وجوه مطرح و دیدگاه خود را از این طریق ترویج دهند. سایر کاربران نیز با ریتوئیت‌های خود امکان ترندسازی و تبدیل موضوعی خاص به جریان خبری را فراهم می‌کردند. از این رو این مقاله با استفاده از این نظریه درصدد شناسایی مفاهیم و مضامین اصلی برجسته شده از جانب توئیت‌کنندگان است.

نظریه جامعه شبکه‌ای

دیگر مبنای نظری مقاله نظریه جامعه شبکه‌ای است. جان ون دایک از نخستین نظریه پردازان جامعه شبکه‌ای معتقد است از جمله ویژگی‌های اصلی جامعه امروز، شبکه‌ای بودن است که بر مبنای فناوری‌های رسانه‌ای و ارتباطی شکل گرفته است. از نگاه او شبکه‌ای شدن وجه غالب زندگی کنونی است که سه ساحت اصلی زندگی یعنی فردی، اجتماعی و سازمانی را زیر سیطره خود درآورده است (ون دایک، ۲۰۰۵: ۲-۱). نکته مهم دیگر از نگاه ون دایک آن است که جامعه شبکه‌ای جدید و مبتنی بر اینترنت، با ارائه و ترویج ارزش‌های فرامحلی و جهانی، ارزش‌های هنجاری بومی را با چالش مواجه می‌کند (ون دایک، ۲۰۰۵: ۳). درباره جایگاه قدرت در جامعه شبکه‌ای جدید نیز ون دایک با تأکید بر اینکه این شبکه‌ها به هیچ وجه از لحاظ فنی و سیاسی خشی نیستند ساخت شبکه را به گونه‌ای می‌داند که با تعریف افراد در درون خود قادر است جایگاه و وضعیت آنان را در جامعه نیز تعیین کند. ون دایک گزاره‌های عامیانه مانند «اطلاعات قدرت است» و یا «دانش قدرت است» را فریبی پنهان می‌داند و توضیح می‌دهد که دسترسی به دانش و اطلاعات به تنهایی فایده ندارد بلکه باید در موقعیت استفاده از آن نیز قرار داشت. از نظر او کسی که مهارت استفاده از اطلاعات را ندارد در زمره افراد فاقد قدرت است. دسترسی فرد به اطلاعات یا دانش، یکی از شرط‌های لازم و نه کافی برای دسترسی به قدرت است. داشتن موقعیتی که در آن بتوان درباره شرایط سازمانی و فنی ساخت و استفاده از شبکه‌ها تصمیم گرفت، اولین و مهمترین عامل تعیین‌کننده موقعیت فرد در شبکه است، این نکته در تمامی سطوح موقعیتی صادق است (ون دایک، ۱۳۸۴: ۱۲۲-۱۲۳). از این رو به نظر می‌رسد با توجه به جایگاه سیاسی توثیق‌کنندگان در حوادث دی ۹۶، نظریه جامعه شبکه‌ای بتواند در فهم کنش‌های توثیقی آنها در این ایام موثر باشد. یعنی کسانی که به توثیق مواضع خود پرداختند احتمالاً افرادی بودند که افزون بر در اختیار داشتن اطلاعات، در صدد بودند با جریان سازی در قالب رسانه‌های شبکه‌ای بر ذهنیت کنشگران و تصمیم‌گیران نیز تأثیر بگذارند. به مانند ون دایک کاستلز نیز ماهیت ساختارها را در شبکه‌های رسانه‌ای، ارتباطاتی توصیف می‌کند. کاستلز سازوکار تأثیرگذاری شبکه‌های رسانه‌ای را در شکل قدرت شبکه‌ای، قدرت شبکه‌ای شده و قدرت شبکه‌سازی بیان می‌کند. قدرت شبکه‌ای یعنی قدرتی که شبکه‌های ارتباطی چند رسانه‌ای به اتفاق هم بر پیام‌هایی که منتقل می‌کنند، اعمال می‌کنند. چون پیام‌ها باید سازگار با پروتکل‌ها یا استانداردهایی مشترک در فرآیند ارتباط باشند. قدرت شبکه‌ای شده شکلی از قدرت است که گره‌های خاص بر دیگر گره‌های درون شبکه اعمال می‌کند. در شبکه‌های ارتباطی این فرآیند به عنوان قدرت تعیین‌دستورکار، مدیریت و تصمیم‌گیری سردبیری ترجمه می‌شود. قدرت شبکه‌سازی یعنی ظرفیت اجازه دادن به یک رسانه یا یک پیام برای ورود به شبکه از طریق روش‌های دروازه بانی است. کاستلز کلیت شبکه‌های رسانه‌ای را تحت مدیریت شبکه‌ای برتر می‌داند که بخشی از آنها «ابر برنامه ریزان» هستند و بخشی دیگر را «سویچر» هائی نامد. ابر برنامه ریزان خارج از هر شبکه قرار دارند و تعیین‌کننده قدرت شبکه‌سازی در شبکه‌ها هستند. سویچرها نیز مدیریت تعامل میان دو یا چند شبکه را بر عهده دارند (کاستلز، ۱۳۹۳: ۷۴۵-۷۵۵). از نگاه کاستلز ماهیت قدرت در جامعه شبکه‌ای ارتباطی است و فهم، کسب، حفظ، افزایش و حتی مقابله با آن مستلزم فهم مکانیزم شبکه‌های رسانه‌ای و سازوکارهای مدیریتی و اجرایی در این شبکه‌هاست. از این رو به نظر می‌رسد نظریه جامعه شبکه‌ای به فهم سازوکارهای

1. Van Dijk

2. Network Power

3. Networked Power

4. Network-Making Power

5. Meta - Programmer

6. Swatchers

7. Castells

شکل‌گیری قدرت، اعمال قدرت و نیز مدیریت قدرت از طریق شبکه‌های رسانه‌های جدید از جمله توییتر و عوامل موثر بر اعمال و هدایت آن در ایران کمک می‌کند.

روش تحقیق

تحقیق از نوع تحلیل محتوای کیفی است که با روش تحلیل مضمون یا تماتیک انجام شده است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی و فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. برخلاف تحلیل گفتمان، تحلیل محتوای کمی، نظریه داده‌بنیاد و روش‌های مشابه، تحلیل مضمون به چارچوبی نظری که از پیش موجود باشد وابسته نیست و از آن می‌توان در چارچوب‌های نظری متفاوت استفاده کرد (شیخ‌زاده؛ ۱۳۹۰: ۱۵۹-۱۵۸). با استفاده از این روش، داده‌ها کاهش می‌یابند، بخش‌بندی، مقوله‌بندی و تلخیص می‌شوند و سپس به گونه‌ای بازسازی می‌شوند که مفاهیم و الگوهای موجود در متن از درون داده‌ها استخراج شوند. یک واحد معنایی تم که به پرسش «چگونگی» پاسخ می‌دهد، یک اصل تکراری ایجاد شده در درون مقوله‌ها یا گسست میان مقوله‌هاست. به عبارتی تم، رشته‌ای از معانی برجسته، واحدهای معانی برجسته، رمزها یا مقوله‌ها براساس سطوح تفسیری است که حوزه به حوزه تکرار می‌شوند (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۷: ۵۴). مضامین براساس محتوای تفسیری شان به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند و در نهایت نیز شبکه مضامین را شکل می‌دهند. محصول تحلیل مضمون، پس از توصیف مفاهیم و الگوهای مهم متن، ارائه آنها در قالب شبکه مضامین است. شبکه مضامین از یک نظر حاصل نظام مند کردن دو سطح از مضامین - مضامین پایه و مضامین فرع؛ و ایجاد و نمایش رابطه میان آنهاست (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۷: ۵۶). با توجه به حجم داده‌های بدست آمده، این شبکه می‌تواند ساده و یا پیچیده باشد. مضمون‌های اصلی یک اثر، معماری پنهان آن را به وجود می‌آورند و باید بتوانند کلید نظام آن را به ما بدهند. مضامین، اغلب توسعه داده و از سرگرفته می‌شوند. تکرار و از سرگیری، از دغدغه‌های ذهنی ناخودآگاهی نویسنده خبر می‌دهد (بابک معین، ۱۳۹۴: ۸۶).

از این رو در این پژوهش نیز داده‌های اولیه از طریق مطالعه و گردآوری توثیق چندچهره شناخته شده منتسب به سه جریان اصلی کشور به دست آمد. با توجه به گذشت یکسال از حوادث دی ۱۳۹۶، افرادی گزینش شدند که توثیق‌های آنها هنوز از دسترس خارج نشده بود و در عین حال در زمره افراد شناخته شده هر سه جریان به شمار می‌رفتند. توثیق‌ها با استفاده از نرم افزار MAXQDA^۲ تجزیه و تحلیل و برحسب پرسش‌ها دسته‌بندی شدند. در مرحله پایانی نیز مضامین اصلی بدست آمده براساس سطح انتزاع اولیه تنظیم شدند. در تحلیل مضمون برخلاف گراند تئوری در صدد ارائه نوعی تبیین روایتی یا نظریه نیستیم بلکه هدف، استخراج الگو یا مدلی مفهومی است که در دل متن، نهفته است و ضرورتی برای صورت‌بندی نظریه جدیدی برای توصیف یافته‌ها وجود ندارد؛ این مقاله نیز قصد دارد با کمک مضامین و مفاهیم پایه و فرعی به دست آمده از توثیق منتسبان به جریان‌های سیاسی، به شبکه‌ای نهفته از مضامین درباره رویدادهای دی ۱۳۹۶ ایران دست یابد. در عین حال برای دقت بیشتر در سنجش شاخص‌ها، نویسندگان تلاش کردند با تلفیق روش تحلیل محتوای کمی و بهره‌گیری از جداول توصیفی و توزیع فراوانی، یافته‌های خود را متقن‌تر ارائه کنند. این نوآوری روشی از آن رو صورت‌گرفت که گاه تکرار برخی مضامین در میان توثیق‌های منتشر شده بسیار به هم نزدیک بود. لذا برای تبیین بهتر تمایز و ارزش‌گذاری بین آنها روش تحلیل محتوای کمی با روش تحلیل مضمون آمیخته شده است. نتایج بدست آمده گویای مطلوب بودن این تلفیق است.

^۱ Thematic analysis.

^۲ نرم افزار Maxqda از محبوبترین نرم افزارهای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی است که استفاده از آن نیز پیچیدگی ندارد.

جامعه آماری و بازه زمانی

در این پژوهش، بررسی توثیت های افراد منتسب به سه جریان اصولگرا، اصلاح طلب و اعتدالگرا در بازه زمانی ۴ تا ۲۳ دی ماه ۱۳۹۶ (از ۳ روز قبل از شروع تا یک هفته پس از پایان) انجام گرفته است. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار MAXQDA کدگذاری و مهم ترین مضامین شناسایی شدند. نمونه گیری نیز به صورت در دسترس است و از بین هر جریان سیاسی چهار نفر در نظر گرفته شدند.

روایی و پایایی

روایی تحقیق صوری است به این صورت که پرسش های تنظیم شده مورد تایید چند استاد علوم سیاسی کارشناسان روش تحقیق قرار گرفت. برای پایایی تحقیق نیز از دیدگاه و نظرات گروهی کارشناس و خبره که از دانش کافی درباره ابعاد و جنبه های مختلف موضوع پژوهش و نیز روش تحلیل مضمون برخوردار بودند به تناسب در طول انجام تحقیق استفاده و نظرات آنها اعمال شده است. پژوهش همچنین به شکلی مستمر از نظر میزان انطباق مراحل آن با مبانی نظری و پیشینه پژوهش توسط نویسندگان پایش شده است (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۷: ۶۵).

یافته های پژوهش

در اینجا ابتدا یافته های توصیفی توثیت های منتشر شده و پس از آن شبکه مضامین بدست آمده براساس آنها ارائه می گردد.

اسامی توثیت کنندگان

در جدول شماره (۱)، اسامی توثیت کنندگان از سه جریان سیاسی نمایش داده شده است.

جدول شماره (۱): اسامی توثیت کنندگان به تفکیک جریان های سیاسی

جریان سیاسی	فراوانی مضامین توثیت شده	درصد معتبر
اصولگرا	۴۴	۳۲
اصلاح طلبان	۴۸	۳۵
اعتدالگرا	۴۵	۳۳
جمع	۱۳۷	۱۰۰

توزیع توثیت ها به تفکیک جریان های سیاسی

در جدول شماره (۲)، تعداد توثیت های منتشر شده هر جریان نمایش داده شده است. با توجه به داده های جدول، از مجموع ۱۳۸ توثیت، جریان «اصلاح طلب» با ۴۸ توثیت، بیشترین توثیت را منتشر کرده است.

جدول شماره (۲): توزیع توثیت ها به تفکیک جریان های سیاسی

تعریف ماهیت حوادث

داده‌های جدول شماره (۳)، نشان می‌دهد از نگاه جریان‌های سیاسی حوادث دی ۱۳۹۶ (با ۶۹ درصد) از نوع «اعتراض» بوده است. درعین حال اصلاح‌طلبان بیش از دو جریان دیگر این حوادث را اعتراض توصیف کرده‌اند. اغتشاش، سوء استفاده کنندگان و ناآرامی نیز (با ۱۶ درصد) مهمترین مضامین توثیق‌شده اصولگرایان است. توصیف حوادث به تجمع خیابانی نیز

توثیق‌کنندگان		جریان سیاسی		
محسن رضایی - عزت‌الله ضرغامی - احمد توکلی - آیت‌الله مصباح‌یزدی		اصولگرا		
اسحاق جهانگیری - عبدالله رمضان‌زاده - مصطفی تاج‌زاده - محمد علی ابطحی		اصلاح طلب		
حسن روحانی - اکبر ترکان - محمد جواد آذری جهرمی - معصومه		اعتدالگرا		
درصد معتبر	فراوانی مضامین توثیق‌شده	جریان سیاسی	تعریف رویداد	
۶۹	۹	۴	اصلاح طلب	اعتراض
		۲	اصولگرا	
		۳	اعتدالگرا	
۸	۱	۱	اعتدالگرا	تجمع خیابانی
۸	۱	۱	اصولگرا	اغتشاش
۸	۱	۱	اصولگرا	سوء استفاده کنندگان
۸	۱	۱	اصولگرا	ناآرامی
۱۰۰	۱۳	جمع		

تنها توصیف چهره‌های اعتدالگرا بوده است که در مرحله بعدی جدول قرار دارد.

جدول شماره (۳): توزیع مضامین تعریف‌کننده ماهیت حوادث

تعریف ماهیت کنشگران

با بررسی جدول شماره (۴)، می‌توان گفت توصیف غالب ماهیت کنشگران در حوادث دی ۱۳۹۶، «مردم» (با ۷۲ درصد) توصیف شده است. پس از آن توثیق‌های اصولگرایان است که ماهیت کنشگران را فقرا، تهی‌دستان و محرومان توصیف کرده‌اند (۲۱ درصد).

درصد معتبر	فراوانی مضامین توثیق‌شده	جریان سیاسی	ماهیت کنشگران
۷۲	۱۰	۳	اصلاح طلب
		۳	اصولگرا
		۴	اعتدالگرا

جدول شماره (۴): توزیع مضامین درباره ماهیت کششگران

۷	۱	۱	اصولگرا	فقرا
۷	۱	۱	اصولگرا	تهی‌دستان
۷	۱	۱	اصولگرا	محرومان
۷	۱	۱	اصلاح‌طلب	نسل‌جوان
۱۰۰	۱۴	جمع		

علل داخلی و خارجی

یافته‌های جدول شماره (۵)، بیانگر آن است که در میان توثیق‌های سه جریان اصولگرا، اصلاح‌طلب و اعتدالگرا «عوامل موثر داخلی»، اصلی‌ترین علت برشمرده شده است (۹۲ درصد). از این میزان، ۶۲ درصد مضامین نیز علل داخلی رویداد را «اقتصادی» بیان کرده‌اند که بیشتر در توثیق جریان‌های اصلاح‌طلب و اعتدالگرا برجسته شده‌اند. همچنین از میان گویه‌های داخلی دو عامل «بیکاری و انسداد سیاسی» نیز به عنوان مهمترین عوامل داخلی توصیف شده‌اند. براساس داده‌های جدول شماره (۶) نیز ۸ درصد توثیق‌ها علل حوادث را «خارجی» معرفی کرده‌اند، که هر سه جریان اصولگرا، اصلاح‌طلب و اعتدالگرا به یک میزان به آن پرداخته‌اند.

جدول شماره (۵): توزیع مضامین درباره علت داخلی حوادث

درصد معتبر	فراوانی مضامین توثیق شده	جریان سیاسی	علل داخلی	
۶۲	۲۳	۱	اصولگرا	بیکاری
		۲	اصلاح‌طلب	
		۲	اعتدالگرا	
		۱	اصلاح‌طلب	محرومیت
		۳	اعتدالگرا	
		۳	اصلاح‌طلب	تبعیض
		۱	اصلاح‌طلب	فساد
		۲	اعتدالگرا	
		۲	اصولگرا	اقتصاد ناامن
		۱	اعتدالگرا	
		۱	اصولگرا	تورم
		۲	اصلاح‌طلب	
		۱	اصولگرا	گرانی
۱	اعتدالگرا			
۳۰	۱۱	۱	اصولگرا	سیاسی
		۱	اصلاح‌طلب	
		۱	اصلاح‌طلب	

شماره (۶): مضامین خارجی	اصلاح طلب		انسداد سیاسی	جدول توزیع درباره علت حوادث
	۳	۲		
			اعتدال‌گرا	
		۲	اعتدال‌گرا	نبود شفافیت در عملکرد نهاده ها
کنشگران جدول بیانگر آن مطالبه اصلی	درصد معتبر	توثیق شده	فراوانی مضامین	عجل نخبه‌تجویحی به
			۱	حمايت دنونجنگلانی اقیانگادی
	۱۰۰	۳	۱۱	(آمریکا، عربستان سعودی، سو مدیریت تلفیقی‌نیل، فرح پهلوی، بن سلمان، تحقیر جهمانی)
	۸	۳	۱	اصلاح طلب
			۱	اعتدال‌گرا
		۱	اصلاح طلب	جمع
			جمع *	جمع

مطالبات
یافته‌های
شماره (۷)،
است که

کنشگران در درجه اول اقتصادی (۵۶درصد) است و پس از آن مطالبه سیاسی قرار دارد (۳۸درصد). شماری از توثیق‌ها نیز ترکیبی از مطالبات را به صورت تلفیقی (اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و...) مطرح کرده بودند (۶درصد). در این بین جریان اصولگرا با ۴ مضمون توثیق شده بیشتر مطالبات مردمی را «اقتصادی» و جریان اعتدال‌گرا با ۳ مضمون توثیق شده بیشتر مطالبات مردمی را «سیاسی» استنباط کرده اند.

جدول شماره (۷): توزیع مضامین نوع مطالبات به تفکیک جریان‌های سیاسی

جدول می‌دهد «تداوم نا کشور، مهمترین شده برای پیامد بیشتر توثیق (۳۰درصد). «خداشه به و نیز بی اعتمادی ۲۴درصد) که توثیق کنندگان	درصد معتبر	فراوانی مضامین توثیق شده	جریان سیاسی		نوع مطالبه	پیامدها داده های شماره (۸)، نشان آرامی» در مضمون برجسته حوادث از سوی کنندگان است مضمون بعدی مشروعیت دولت به دولت» است) عموما از سوی
			اصوالگرا	اصلاح طلب		
			۴	۲	مطالبه اقتصادی	
	۵۶	۹	۳	۱		
			۱	۲	مطالبه سیاسی	
	۳۸	۶	۳	*		
			*	۱	مطالبه تلفیقی	
	۶	۱	*	*		
	۱۰۰	۱۶	جمع			

منتسب به جریان اصولگرا برجسته شده است. همچنین خداشه به مشروعیت نظام و بی اعتمادی به نظام نیز سومین مضمون برجسته شده درباره پیامد حوادث است (۱۸درصد) که توثیق کنندگان اصلاح طلب و اعتدال‌گرا به آن پرداخته اند.

جدول شماره (۸): توزیع مضامین پیامدهای حوادث

داده‌های شماره (۹) مطالبات جامعه راهکاریست توثیق سه جریان شده	درصد معتبر	فراوانی مضامین توثیق شده		جریان سیاسی	پیامد	راهکارها براساس جدول نشان «توجه به اقتصادی» مهمترین که از سوی کنندگان هر سیاسی بیان
		۲	۵	اصوالگرا	تداوم نا آرامی	
	۳۰	۲	۵	اصوالگرا		
		۲		اصلاح طلب		
		۱		اعتدالگرا		
	۱۲	۲	۲	اصلاح طلب	بی اعتمادی به نظام	
	۶	۱	۱	اصوالگرا	بی اعتمادی به دولت	
	۱۸	۲	۳	اصوالگرا	خداشه به مشروعیت دولت	
		۱		اعتدالگرا		
	۶	۱	۱	اصوالگرا	خداشه به مشروعیت نظام	
	۶	۱	۱	اعتدالگرا	خداشه به نظم اجتماعی	
	۱۲	۱	۲	اصلاح طلب	تخریب اموال عمومی	
		۱		اعتدالگرا		
	۵	۱	۱	اصلاح طلب	امنیتی شدن کشور	
	۵	۱	۱	اصوالگرا	بهره برداری کشور های خارجی	
	۱۰۰	۱۷		جمع		

است (۴۶درصد). در این بین منتسبان به جریان اصلاح طلب با ۸ مضمون توثیق شده مهمترین راهکار را «اقتصادی» استنباط کرده اند. «شنیدن صدای اعتراض مردم» نیز دومین مضمون برجسته شده به ویژه از جانب توثیق کنندگان غیر دولتی (اصولگرایان و اصلاح طلبان) ذیل راهکار اقتصادی بوده است (۳۵ درصد). در بین توثیق کنندگانی که مهمترین راهکار را سیاسی دانسته اند (۳۵ درصد)، توجه به «مطالبات سیاسی» و نیز «شفاف سازی عملکرد مسئولان» مضامینی بوده اند که بیش از دیگر راهکارها توثیق شده اند.

جدول شماره (۹): توزیع مضامین درباره راهکارهای حوادث

درصد معتبر	فراوانی مضامین توثیق شده	جریان سیاسی	راهکار	اقتصادی
۴۶	۱۷	۴	اصوالگرا	
		۴	اصلاح طلب	
		۲	اعتدالگرا	
		۱	اصوالگرا	شنیدن صدای اعتراض مردم
		۲	اصلاح طلب	

مضامین دی ۹۶	۲	اصلاح طلب	اصلاحات تدریجی	شبکه حوادث					
		۱	اعتدال‌گرا		توسعه کسب و کارهای کوچک	شبکه مبتنی بر تعداد از هر شناسایی یعنی دیگر نوع مدل نداشته‌اند. برگرفته از نشان مرکز این مضمون مضمون مضامین پایه اند که تقریباً جریان بیشترین درباره آنها لایه دوم این مضامین «انسداد پاسخ به علل مضمون کشورهای خصوص			
ترسیم شده بیشترین مضمون شده است. مولفه‌ها در تائیری نتایج این شبکه می‌دهد، در شبکه دو «اعتراض» و «مردمی» ای این شبکه هر سه سیاسی اتفاق نظر را داشته‌اند. در شبکه «بیکاری» و سیاسی» در داخلی و نیز «دخالت بیگانه به آمریکا» در	۱۲	۲	اصول‌گرا	سیاسی	شبکه مبتنی بر تعداد از هر شناسایی یعنی دیگر نوع مدل نداشته‌اند. برگرفته از نشان مرکز این مضمون مضمون مضامین پایه اند که تقریباً جریان بیشترین درباره آنها لایه دوم این مضامین «انسداد پاسخ به علل مضمون کشورهای خصوص				
		۲	اصلاح طلب			توجه به مطالبات سیاسی			
		۱	اصول‌گرا			شفاف سازی عملکرد مسئولان			
		۲	اعتدال‌گرا			تقویت دموکراسی			
		۱	اصلاح طلب			عدالت محوری			
		۱	اصلاح طلب			آزاد کردن زندانیان سیاسی			
		۱	اصول‌گرا			برخورد قاطع با معترضان			
		۱	اصول‌گرا			جدا کردن معترضین از اختلال‌کنندگان			
		۲۰	۸			۱	اعتدال‌گرا	تلفیقی	شبکه مبتنی بر تعداد از هر شناسایی یعنی دیگر نوع مدل نداشته‌اند. برگرفته از نشان مرکز این مضمون مضمون مضامین پایه اند که تقریباً جریان بیشترین درباره آنها لایه دوم این مضامین «انسداد پاسخ به علل مضمون کشورهای خصوص
						۱	اصول‌گرا		
۱	اصول‌گرا			برنامه ریزی					
۱	اصلاح طلب			ملی کردن رسانه					
۱	اعتدال‌گرا								
۱	اصول‌گرا			آسیب شناسی نا کارآمدی مسئولان					
۱	اصلاح طلب			رفع فیلتر شبکه‌های مجازی					
۱	اصلاح طلب			تعیین مکانی برای اعتراض مردم					
۱	اصول‌گرا	اقدام فوری دولت							
۱۰۰	۳۷	جمع							

پاسخ به علل خارجی حوادث، مهمترین مضامین فرعی برجسته شده‌اند. سایر مضامین فرعی حول محور مضامین اصلی (اعتراض و مردمی بودن) به ترتیب «تداوم ناآرامی‌ها در کشور» در پاسخ به پیامدهای معرفی شده؛ و «توجه به مطالبات اقتصادی مردم» و «توجه به مطالبات سیاسی مردم» در پاسخ به راهکارهای برون رفت، دیگر مضامین فرعی از سوی توثیق‌کنندگان بوده است.

(شکل ۱)

توجه به مطالبات اقتصادی
توجه به مطالبات سیاسی

شکل (۱) - شبکه مضامین توئیت شده حوادث دی ۹۶

نتیجه‌گیری

در این مقاله به دنبال پاسخ این پرسش بودیم که شخصیت‌های سیاسی ایرانی منتسب به جریان‌های سیاسی چگونه و با کدام مضامین اصلی حوادث دی ماه ۱۳۹۶ را در شبکه اجتماعی توییتر توصیف کرده‌اند. برای این منظور مضامین پرکاربرد و تکرار شده در توییت‌های منتشر شده این افراد در بازه زمانی چهارم تا بیست و سوم دی ۹۶ مطالعه و در قالب جداول توصیفی ارائه شد.

در یک نگاه کلی می‌توان گفت عمده مضامین بکار گرفته شده برای توصیف حوادث دی ۹۶ از جانب چهره‌های منتسب به جریان‌های سیاسی کشور متأثر از جهت‌گیری سیاسی آنها در فضای سیاسی کشور است. در این بین مواضع ایشان در قبال دولت نقش محوری را محتوای توییت‌ها دارد. به این معنا که چهره‌های وابسته به جریان اعتدالگرا (مسامحتا در اینجا دولت) مضامین کمتر انتقادی را بکار گرفته‌اند و یا آنها را کمتر تکرار کرده‌اند؛ در مقابل، شخصیت‌های منتسب به جریان‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا مضامین انتقادی تری بکار گرفته‌اند و یا مضامین انتقادی را پرتکرارتر مطرح کرده‌اند. در عین حال چهره‌های اصلاح‌طلب ماهیت رویداد را عموماً سیاسی-اقتصادی و با منشاء داخلی تبیین کرده‌اند در حالی که چهره‌های اصولگرا رویداد را عموماً سیاسی و بعضاً با منشاء بیرونی تبیین کرده‌اند. در ادامه سایر نتایج به صورت جزئی‌تر ارائه می‌شوند. توجه و اهتمام دو جریان اصلاح‌طلب و اصولگرا به حوادث دی ماه ۹۶ در مقایسه با جریان اعتدالگرا پر بیشتر و به همین میزان جدی‌تر است.

تبیین حوادث دی ماه به عنوان «اعتراضی مردمی»، مضمون اصلی و مشترک بین بیشتر افراد منتسب به هر سه جریان است. در عین حال افراد منتسب به جریان اصولگرا از مضامین «اغتشاش» و «سوء استفاده کنندگان» با تکرار کمتر نیز بهره گرفته‌اند. مضمون «عوامل اقتصادی» با ۶۰ درصد به عنوان مهم‌ترین علت داخلی شامل دو عامل بیکاری و انسداد سیاسی (هر کدام با ۱۴ درصد) بیشترین تاثیر را در بروز رویدادهای دی ۹۶ داشته‌اند.

مضمون «مطالبات اقتصادی» نیز پرتکرارترین مضمونی است که بیشتر از چهره‌های اصلاح‌طلب و اعتدالگرا از سوی چهره‌های اصولگرا مطرح شده است. در مقابل در بین چهره‌های اعتدالگرا و اصلاح‌طلب مضمون «مطالبه سیاسی» بیشترین تکرار را داشته است.

«مداخله کشورهای بیگانه» مضمون مشترک و تکرار شده سه جریان سیاسی در تبیین عوامل خارجی بوده است. در عین حال تکرار این مضمون در قیاس با مضامین عوامل داخلی در مجموع کمتر بوده است که نشان می‌دهد در کل، همه جریان‌های سیاسی عامل اصلی را داخلی دانسته‌اند تا خارجی (۳ تکرار معادل ۷/۵ درصد برای علت خارجی در برابر ۳۷ تکرار معادل ۹۲/۵ درصد برای علت داخلی).

مضمون «تداوم ناآرامی» در کشور به عنوان مهمترین پیامد حوادث از سوی دو جریان اصلاح‌طلب و اصولگرا برجسته شده است. این مضمون کمترین تکرار را در میان چهره‌های اعتدالگرا داشته است. چهره‌های دو جریان اصولگرا و اصلاح‌طلب بیش از جریان اعتدالگرا تکرار کرده‌اند که «توجه به مطالبات اقتصادی» مهمترین راهکار اقتصادی برون رفت از این وضعیت است. نکته قابل توجه تکرار مساوی راهکارهای سیاسی برون رفت نظیر مضامین «توجه به مطالبات سیاسی»، «تقویت دموکراسی» و «شفاف‌سازی عملکرد مسئولان» بین چهره‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب است. چهره‌های اعتدالگرا کمترین تکرار این مضامین را داشته‌اند.

پیشنهادها

با توجه به تاثیر موضع‌گیری‌های نخبگان و چهره‌های منتسب به جریان‌های سیاسی بر نوع نگرش و تبیین افکار عمومی از حوادث جامعه پیشنهاد می‌شود نخبگان سیاسی در ارائه مواضع خود، تبیین علمی را مبنای مواضعشان قرار دهند. بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی جدید مانند توئیتر با توجه به قابلیت انتقال سریع پیام به مخاطبان و نیز امکان پاسخ‌گویی مستقیم سایر کاربران به توثیق‌کنندگان، امکان شکل‌گیری فضای گفتگویی بیشتری را در مقایسه با سایر شبکه‌های اجتماعی برای چهره‌های سیاسی فراهم می‌کند. این پژوهش از زاویه توئیتر انجام شد. پژوهشگران می‌توانند پیام‌های منتشر شده در سایر شبکه‌های اجتماعی در دسترس را نیز مطالعه کنند. تحلیل‌گفتمان پیام‌های نخبگان سیاسی در ایام حوادث دی ۹۶ نیز روشی مناسب برای فهم بسترهای سیاسی و اجتماعی این پیام‌هاست. تحلیل تطبیقی اخبار روزنامه‌ها و نیز شبکه‌های تلویزیونی (داخلی و یا خارجی) نیز از دیگر روش‌های مطالعه این موضوع است که نتایج کاربردی و سودمندی را در پی خواهد داشت.

منابع

- بابک معین، مرتضی (۱۳۹۴). مفهوم مضمون و آسیب‌شناسی نقد مضمونی. پژوهش‌های ادب و زبان فرانسه. سال دوم، شماره ۴، ۹۲-۷۷.
- جلالی پور، حمید رضا و حاجی زادگان، ابوالفضل (۱۳۹۷)، اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ در ایران، <https://www.researchgate.net/publication/324976129>
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۷). *اعتراضات و حوادث دی ماه ۱۳۹۶؛ تحلیل‌ها و برآوردها*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حبیبی، حامد و مقدمی شهیدانی، سهراب (۱۳۹۷)، بازکاوی نقش آمریکا در ایجاد آشوب هاب کور دی ماه ۹۶ براساس اطلاعات آشکار، جلد سوم. مجله: پانزده خرداد، شماره ۵۵، ۴۷-۱۹.
- خنیفر، حسین و ناهید مسلمی (۱۳۹۷). *اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی؛ رویکردی نو و کاربردی*. جلد اول. تهران: انتشارات نگاه دانش.
- جهرمی، آذری (۱۳۹۷) جریان‌سازی امروز از توئیتر شروع می‌شود. *روزنامه ایران*، ۱۵/۷/۹۷. شماره: ۶۸۶۹.
- شیخ زاده، محمد و همکاران (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *اندیشه مدیریت راهبردی*. سال پنجم، ش ۲، ۱۹۸-۱۵۱.
- عرفان منش، محمدامین (۱۳۹۵) حضور مقاله‌های ایرانی علم اطلاعات و کتابداری در رسانه‌های اجتماعی: مطالعه آلتمتریک. *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*. ۳۲ (۲)، ۳۷۳-۳۴۹.
- غربستان روزبهرانی، مرتضی (۱۳۹۷)، مروری بر وقایع و حوادث ۹۶. *فصلنامه سیاست و اجتماع*. ۸۶-۸۲.
- لافی، دن (۱۳۹۶). *موضوعات کلیدی در نظریه رسانه‌ها*. ترجمه یونس نوربخش. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مسلم جوی، عیسی؛ مهدی اسماعیلی و فرهاد راد، ۱۳۹۳، مدل‌سازی رفتار انسانی در شبکه اجتماعی توئیتر به کمک الگوریتم خوشه‌بندی K-Menas، *اولین همایش منطقه‌ای فناوری اطلاعات برق پالایش، گچساران*، مرکز علمی کاربردی گچساران،

https://www.civilica.com/Paper-PUAST01-PUAST01_115.html –
– میرزا آقازاده، میترا؛ وحید سلوک و جمشید باقرزاده (۱۳۹۴). ارزیابی تاثیر محبوبیت کاربر و هشتگ در محبوبیت پست های شبکه ی اجتماعی توئیتر، مجموعه چکیده مقالات هفتمین کنفرانس بین المللی فناوری اطلاعات و دانش، ارومیه، دانشگاه ارومیه،

https://www.civilica.com/Paper-ICIKT07-ICIKT07_102.html –
– ون دایک، جان (۱۳۸۴). قدرت در جامعه شبکه ای. فصلنامه رسانه. سال شانزدهم شماره دوم. ۱۵۹-۱۲۲.

منابع لاتین

- Bik, H. M., & Goldstein, M. C. (2013). An introduction to social media for scientists. *PLOS Biology*, 11 (4), e1001535. Retrieved November 1, 2017, Accessed:
– <https://doi.org/10.1371/journal.pbio.1001535>.
- Daniel A. Gruber, Ryan E. Smerek, Melissa C. Thomas-Hunt, Erika H. James. (2015). The real-time power of Twitter: Crisis management and leadership in an age of social media: *Business Horizons* 58, 163—172.
- Guillaume Gadek, Alexandre Pauchet, Nicolas Malandain, Khaled, Khelif, Laurent ,Vercouter, St´ephan Brunessaux.(2017). Topical cohesion of communities on Twitter: *Procedia Computer Science* 112 (2017) 584–593.
- Haustein, S. & Costas, R. (2015). Determining Twitter audiences: Geolocation and number of followers. Retrieved November 1, 2017, from <http://altmetrics.org/altmetrics15/haustein/>
- Haustein, S., Bowman, T. D., Holmberg, K., Peters, I., & Larivière, V. (2014). Astrophysicists on Twitter: An in-depth analysis of tweeting and scientific publication behavior. *Aslib Journal of Information Management*, 66 (3), 279–296.
- Jihyun Kim, Hayeon Song. (2016). Celebrity's self-disclosure on Twitter and parasocial relationships: A mediating role of social presence. *Computers in Human Behavior*, 62, 570-577.
- Shaun W. Davenport, Shawn M. Bergman, Jacqueline Z. Bergman, Matthew E. Ferrington. (2014). Twitter versus Facebook: Exploring the role of narcissism in the motives and usage of different social media platforms: *Computers in Human Behavior* 32, 212–220.
- Van Dijk, Jan A.G.M. (2005). *The Network Society; Social Aspects of New Media*. London: Sage Publications.
- Yamikani Ndasaukaa. (2014). Excessive use of Twitter among college students in the UK: Validation of the Microblog Excessive Use Scale and relationship to social interaction and loneliness: *Computers in Human Behavior* 55, 963–971.